

# بررسی‌های اقتصادی

## بخش فرهنگ و هنر در اقتصاد کلان ایران<sup>۱</sup>

دکتر فریبرز رئیس‌دانا

### بررسی اقتصادی هزینه‌های فرهنگی و هنری خانوار

در این بررسی به جست و جوی کیفیت و جایگاه اقتصادی مصرف عوامل فرهنگی و هنری در زندگی خانوار ایرانی هستیم. در این پژوهش دوره زمانی ۷۶ - ۱۳۵۸ را انتخاب کرده‌ایم. ابتدا سبد مصرفی خانوار را به لحاظ هزینه‌ها مورد بررسی قرار می‌دهیم و سهم هزینه‌های فرهنگی را در این سبد مورد کنکاش قرار می‌دهیم تا ببینیم که خانوار ایرانی چه جایگاه خاصی را برای مخارج فرهنگی خود در دوره مورد بررسی در نظر داشته است. از زوایه نگرش دیگر به سراغ درآمد‌های خانوار می‌رویم و بررسی خود را گسترده‌تر می‌کنیم. این بررسی‌ها نشان خواهد داد که خانوار ایرانی به لحاظ اقتصادی و یا مالی تا چه اندازه به رفع احتیاجات خود اهمیت می‌دهد. به راستی خانوار ایرانی تا چه اندازه توان مالی خود را در دوره مورد بررسی به منظور پاسخ‌گویی به نیازهای فرهنگی افزایش یا کاهش داده است؟

در بررسی دیگر به ارزیابی این مسأله می‌پردازیم که اساساً نقطه نظر خانوار ایرانی نسبت به کالاها و خدمات فرهنگی چگونه است؟ کالای مورد نظر، از نظر خانوار آیا کالایی لوکس، ضروری و یا پست است؟ قطعاً تعیین سیاست‌های اقتصادی بدون وجود پاسخی روشن در این مورد، غیر ممکن است. الگوهای به کار رفته اقتصادی ما را در این زمینه راهنمایی خواهند کرد.

بررسی دیگر ما به ارزیابی هزینه‌هایی که دولت برای ارتقاء سطح فرهنگ جامعه انجام می‌دهند، خواهد پرداخت. این ارزیابی بودجه دولت را به لحاظ سهم مخارج عمرانی و جاری بخش فرهنگ و امور اجتماعی تحت الشعاع قرار می‌دهد.

### ۱ - بررسی هزینه‌های فرهنگی در سبد خانوار

منظور از هزینه‌های فرهنگی، سهمی از درآمد خانوار است که صرف تفریحات، سرگرمی، مسافرت، کتاب‌خوانی، تحصیل و آموزش می‌شود. جدول شماره (۱) متوسط هزینه‌های خالص فرهنگی سالانه خانوارهای کل کشور را به قیمت‌های جاری همان سال‌ها نشان می‌دهد:

جدول شماره ۱ - متوسط هزینه خالص فرهنگی و هنری سالانه<sup>۲</sup> خانوارهای کل کشور

(به قیمت جاری) - ریال

سال	۱۳۵۸	۱۳۶۸	۱۳۷۳	۱۳۷۵
هزینه	۹۸۱/۵	۴۶۶۲۷	۲۶۲۵۱۱	۴۸۴۵۴۱

مأخذ: مرکز آمار ایران، سالنامه‌های آماری سال‌های مختلف

همان‌گونه که جدول نشان می‌دهد یک خانوار ایرانی در سال ۱۳۵۸ رقمی معادل ۹۸۱/۵ ریال را در طول سال صرف مخارج فرهنگی نموده است. در حالی که همین رقم در سال ۱۳۷۵ به ۴۸۴۵۴۱ ریال رسیده است. اما از سوی دیگر، در طول دره مورد بررسی قیمت کالاها و خدمات شدیداً افزایش داشته است، به طوری که ارزش یک ریال در سال ۱۳۵۸ چند برابر ارزش همان یک ریال در سال ۱۳۷۵ می‌باشد. جدول شماره (۲) موضوع را روشن می‌سازد:

جدول شماره ۲ - شاخص بهای کالاها و خدمات فرهنگی و هنری در مناطق شهری

(۱۰۰ = ۱۳۶۹)

سال	۱۳۵۸	۱۳۶۸	۱۳۷۳	۱۳۷۵
شاخص	۱۱/۷	۱۰۸	۲۳۴/۳	۴۷۷/۲

مأخذ: مرکز آمار ایران، سالنامه‌های آماری سال‌های مختلف

ارقام جدول به ما می‌گوید که اگر مصرف‌کننده‌ای در سال ۱۳۵۸ برای مصرف یک واحد کالا و خدمت فرهنگی و هنری مجبور به پرداخت ۱۱/۷ ریال بوده است در سال ۱۳۷۵ برای دریافت همان کالا ۴۷۷ ریال پرداخت کرده است. به عبارت دیگر قیمت کالاها و خدمات فرهنگی در خلال دوره هجده ساله ۷۵-۱۳۵۸ حدود ۴۰ برابر افزایش یافته است.

با توضیحات یاد شده اینک می‌توان هزینه واقعی خانوار را به قیمت ثابت مورد بررسی قرار داد. برای این کار ارقام جدول شماره (۱) بر ارقام متناظر جدول (۲) تقسیم می‌شوند. بنابراین مخارج پیش‌گفته به شکل جدول شماره (۳) اصلاح خواهند شد:

جدول شماره ۳ - متوسط هزینه‌های خالص فرهنگی و هنری سالانه خانوارهای کشور

(به قیمت ثابت سال "۱۳۶۹") ریال

سال	۱۳۵۸	۱۳۶۸	۱۳۷۳	۱۳۷۵
هزینه	۸۳۸۹	۴۳۱۷۳	۱۱۲۰۴۰	۱۰۱۵۳۸
نرخ‌رشد نسبت به دوره قبل	-	۱۷/۸	۲۱	-۴/۷

همان‌گونه که جدول نشان می‌دهد هزینه سالانه یک خانوار ایرانی بابت خدمات فرهنگی در سال ۱۳۵۸ معادل ۸۳۸۹ ریال بوده است، این رقم در سال ۱۳۷۵ به حدود ۱۲ برابر یعنی معادل ۱۰۱۵۳۸ ریال به قیمت‌های ثابت افزایش یافته است. در فاصله ۱۳۷۳ تا ۱۳۷۵ سهم این هزینه در سبد مصرفی خانوار کاهش داشته است. شاید بتوان این پدیده را به کاهش درآمدهای واقعی خانوار طی همین دوره مرتبط کرد. جدول شماره (۴) متوسط درآمد سالانه خانوارهای ایرانی را نشان می‌دهد:

جدول شماره ۴ - متوسط درآمد سالانه یک خانوار شهری

سال	۱۳۵۸	۱۳۶۸	۱۳۷۳	۱۳۷۵
درآمد به قیمت جاری	۶۰۸۸۴۹	۱۴۶۷۴۳۶	۵۷۲۹۷۳۲	۹۸۷۹۳۵۸
درآمد به قیمت ثابت سال ۱۳۶۹	۳۹۰۲۸۷۸	۱۵۹۸۵۱۴	۲۲۹۸۳۲۸	۲۱۵۳۳۰۴

مأخذ: مرکز آمار ایران، سالنامه‌های آماری سال‌های مختلف

ملاحظه می‌شود در حالی که متوسط درآمد یک خانوار به قیمت ثابت طی همین دوره ۴۵ درصد کاهش داشته است اما مخارج فرهنگی خانوار ۱۲ برابر افزایش نشان می‌دهد. به این ترتیب می‌توان گفت با حفظ روند مورد نظر چنانچه درآمدها ثابت می‌ماند خانوار ایرانی در سبد مصرفی خود ۲۴ برابر مخارج فرهنگی خود را افزایش می‌داد. این پدیده نشان‌دهنده جایگاه خاص خدمات فرهنگی و هنری نزد خانوار ایرانی است. اما واقعیت آن است که هنوز سهم بسیار اندکی از درآمدهای یک خانوار سهم فعالیت فرهنگی و هنری خانوار می‌شود. جدول شماره (۵) گویای این واقعیت است.

جدول شماره ۵ - نسبت هزینه‌های کل فرهنگی و هنری به درآمد کل خانوار شهری  
(به قیمت ثابت)

سال	۱۳۵۸	۱۳۶۸	۱۳۷۳	۱۳۷۵
درصد	۰/۱۴	۱/۹	۳/۵	۴/۴

مأخذ: محاسبات مربوط به جداول قبل

بالاترین درصد مربوط به سال ۱۳۷۳ است که نشان می‌دهد تنها ۳/۵ درصد از درآمد یک خانوار شهری صرف هزینه‌های مورد بحث می‌شود. این رقم در سال ۱۳۵۸ تنها ۰/۱۴ درصد بوده است. طی دوره مورد بررسی نسبت مورد نظر حدود ۲۴ برابر افزایش یافته است که تأکیدی بر گفته‌های قبلی ما دایر بر افزایش سهم هزینه‌های یاد شده است. البته هرگاه سهم هزینه‌های مورد نظر را در کل سبد هزینه مصرفی خانوار ملاحظه کنیم می‌بینیم که این رشد تنها معادل ۳ برابر بوده است (جدول شماره ۶)

جدول شماره ۶ - نسبت هزینه‌های فرهنگی و هنری به کل هزینه خانوار

سال	۱۳۵۸	۱۳۶۸	۱۳۷۳	۱۳۷۵
درصد	۱/۴۵	۲/۷۴	۴/۴۳	۴/۵۶

به منظور روشن‌تر شدن مطلب، هزینه‌ها را به تفکیک جامعه شهری و روستایی و همچنین برحسب مورد هزینه‌ها مطرح می‌کنیم. ابتدا جداول شماره (۷ و ۸) را ملاحظه کنید:

جدول شماره ۷ - متوسط هزینه خالص سالانه تفریحات و سرگرمی

در میان خانوار شهری و روستایی ریال

سال	۱۳۵۸	۱۳۶۸	۱۳۷۳	۱۳۷۵
خانوار روستایی	۱۱۶/۴	۵۵۱۳	۲۸۵۵۴	۴۵۵۲۲
خانوار شهری	۲۸۴/۳	۱۲۳۹۹	۵۷۶۲۱	۹۵۰۰۰
نسبت شهری به روستایی (درصد)	۲۴۴/۲	۲۵۵	۲/۲	۲۰۸/۷

جدول شماره ۸ - متوسط هزینه خالص سالانه تحصیل و آموزش

در میان خانوار شهری و روستایی

سال	۱۳۵۸	۱۳۶۸	۱۳۷۳	۱۳۷۵
خانوار روستایی	۲۰۶۹	۹۰۴۲	۴۸۰۸۵	۹۰۳۰۰
خانوار شهری	۳۷۳/۹	۱۹۶۷۳	۱۲۸۲۵۱	۲۵۳۷۱۹
نسبت شهری به روستایی (درصد)	۱۸۰/۷	۲۱۷/۶	۲۶۶/۷	۲۸۱

از مقایسه دو جدول بالا مشخص می شود که در میان جامعه شهری نسبت هزینه تحصیل و آموزش به تفریحات و سرگرمی از حدود ۱۳۰ درصد در سال ۱۳۵۸ به ۲۶۰ درصد در سال ۱۳۷۵ افزایش یافته است. به عبارت دیگر در جامعه شهری خانوارها سهم مخارج تحصیلی و آموزشی شان به میزان بسیار بیشتری نسبت به مخارج تفریحی و سرگرمی افزایش یافته است. در حالی که در جامعه روستایی همین روند آهنگ کندتری داشته و از ۱۷۰ درصد به ۲۰۰ ارتقاء یافته است. بررسی های دقیق تر نشان می دهد که چه در جامعه شهری و چه در جامعه روستایی (البته با اندکی تفاوت) خانوارها مجبور بوده اند پیش از آنکه به تفریحات و سرگرمی و مطالعه بپردازند درآمدهای خود را صرف هزینه های تحصیلی فرزندان خود کنند. به عبارت دیگر چه در جامعه شهری و چه در جامعه روستایی بار اصلی مخارج را در سبد مصرفی هزینه های فرهنگی خانوار، تحصیل و آموزش تشکیل داده است. این وزن در سال ۱۳۷۵، در جامعه شهری معادل ۷۳ درصد و در جامعه روستایی حدود ۶۶ درصد بوده است. با توجه به این یافته ها می توان گفت در جامعه شهری تنها ۲/۵ درصد کل درآمد خانوار صرف تفریح و سرگرمی و فعالیت های هنری می شود.

در مقایسه ای دیگر می توان دید که در جامعه شهری در فاصله ۷۵ - ۱۳۵۸ مخارج مربوط به تفریح و سرگرمی خانوار به قیمت های جاری ۳۳۴ بار افزایش یافته است در حالی که مخارج تحصیل خانوار در همین دوره ۴۳۶ بار ترقی کرده است. در جامعه روستایی همین اعداد به ترتیب ۳۹۱ و ۶۷۹ است. به عبارتی نرخ رشد در فاصله مورد بررسی در جامعه روستایی بخصوص در بخش مخارج تحصیلی کاملاً چشم گیرتر است. این پدیده نشان دهنده آن است که جامعه روستایی ایران تحت تأثیر جامعه شهری می خواهد تا عقب افتادگی های خود را جبران نماید.

کاهش درآمدی کالای فرهنگی در مقطع فاصله ۷۵ - ۱۳۷۳ چه به قیمت های ثابت و چه به قیمت های جاری نشان دهنده آن است که کالای مورد نظر یک کالای لوکس محسوب شده است. به عبارت دیگر چنانچه درآمد ها افزایش پیدا کند میزان افزایش مصرف این کالا بیشتر از افزایش درآمد خواهد بود و برعکس. یعنی با کاهش درآمدها (و درآمدهای واقعی کاهش پیدا کرده اند) این مصارف با شدت بیشتری کاهش می یابد.

در این ارزیابی کشتن محاسبه شده به قیمت‌های جاری عبارت است از ۱/۲ و به قیمت‌های ثابت عبارت است از ۱/۳. (کشتن درآمدی تقاضای کالای فرهنگی بزرگ‌تر از یک است). به این ترتیب هرگاه درآمد خانوار افزایش پیدا کند، قطعاً خانوار به میزان بیشتری مصرف کالاها و خدمات فرهنگی خود را افزایش خواهد داد. این پدیده نشان‌دهنده آن است که در مقیاس کلان اگر در چشم‌انداز آینده با رونق و افزایش درآمدها روبه‌رو شویم قطعاً سهم این مخارج در کل تقاضا برای تولیدات کشور افزایش بیشتری خواهد یافت و ضرورت برای تقاضای فزاینده پیش‌بینی امکانات به عمل آید.

$$\varepsilon = \frac{\frac{\Delta D}{D}}{\frac{\Delta I}{I}}$$

محاسبه کشتن نقطه‌ای:

$\Delta$ : تغییر در مخارج مصرفی خانوار

D: مصرف اولیه

$\Delta I$ : تغییر در درآمد

I: درآمد اولیه

## ۲ - بودجه عمومی

بخش عمومی به عنوان یک جریان مالی قدرتمند و عامل اقتصادی بسیار بزرگ در اقتصاد ایران جایگاهی خاص در جهت‌دادن به فعالیت‌های اقتصادی کشور دارد. قطعاً توسعه اقتصادی کشور بدون هدایت و راهگشایی این عامل اصلی، (لااقل در شرایط موجود) عملاً غیر ممکن به نظر می‌رسد. توسعه یک مفهوم عمومی و گسترده به معنای تحول ژرف اقتصادی، اجتماعی و سیاسی است که در سایه تلاش و عزم عمومی افراد جامعه میسر می‌شود. دولت به عنوان نماینده اصلی بخش عمومی در اقتصاد ایران در این مورد قطعاً دارای رسالت و نقش تاریخی است. صرف نظر از کیفیت سیاست‌ها و اهداف تعیین شده از سوی دولت که به جای خود مورد قضاوت و بحث قرار خواهد گرفت، کمیت نقش بخش عمومی را می‌توان در قالب مخارج جاری و عمرانی این بخش در ارتباط با جایگاه مسایل فرهنگی، مورد بررسی قرار داد. هرگاه بودجه را در قالب فصل‌ها، مورد بررسی قرار دهیم به فصل "فرهنگ و هنر و امور اجتماعی" برخورد خواهیم کرد. بودجه این فصل به تفکیک هزینه‌های جاری و مخارج عمرانی و سرانه این ارقام به قیمت ثابت در جدول شماره (۹) آورده شده است.

هزینه‌های جاری "فصل"، در سال ۱۳۵۶ به قیمت ثابت سال ۱۳۶۹، معادل ۶۲/۵ میلیارد ریال بوده است. این رقم با طی سیر نزولی تا سال ۱۳۶۸ به عدد ۱۶/۳ میلیارد می‌رسد و از آن پس افزایش یافته، در سال ۱۳۷۶ به حدود ۹۵ میلیارد ریال بالغ می‌شود. به لحاظ سرانه، در سال ۱۳۵۶ در فصل "فرهنگ و هنر و امور اجتماعی" به ازاء هر فرد ایرانی حدود ۱۷۸۴ ریال هزینه شده است، در حالی که در سال ۱۳۷۶ همین رقم به حدود ۱۲۶ ریال رسیده است. در واقع در بخش هزینه‌های جاری به ازاء هر فرد ایرانی اینک بیش از ۱۴ بار کمتر هزینه می‌شود. در بخش مخارج عمرانی در سال ۱۳۵۶ به ازاء هر فرد ایرانی معادل ۶۶۸ ریال هزینه شده است که از تمام ارقام موجود تا سال ۱۳۷۳ بالاتر است. اما در سال ۱۳۷۴ و ۱۳۷۵ سرانه مخارج عمرانی از رقم مشابه سال ۱۳۵۶ فزونی

یافته است.

جدول شماره (۱۰) آمار خوشایندی را در ارتباط با بودجه وزارتخانه به دست نمی‌دهد. در حالی که در سال ۱۳۵۶ بودجه وزارتخانه در بخش جاری و عمرانی به قیمت ثابت سال ۱۳۶۹ معادل ۲۱/۱ و ۲۰/۳ میلیارد ریال بوده است، همین ارقام به ترتیب در سال ۱۳۷۶ به ۱۵/۲ و ۸/۴۵ میلیارد ریال کاهش یافته‌اند. بودجه سرانه وزارتخانه در سال ۱۳۷۵ به ترتیب جاری و عمرانی ۳۶۱ و ۱۱۵ ریال بوده است. این ارقام نسبت به سال ۱۳۵۶ کاهش چشم‌گیری داشته است گرچه از سال ۱۳۶۷ به بعد روندی کاملاً صعودی را نشان می‌دهد.

همان‌طور که جدول شماره (۱۱) نشان می‌دهد در ارتباط با بودجه کل دولت نیز همین وضعیت دیده می‌شود. یعنی کاهش شدید بودجه سرانه. بدون پرداختن به چند و چون و دلایل این کاهش باید پذیرفت که بدون توسعه زیرساخت‌های لازم برای توسعه فرهنگی کشور که قطعاً در افزایش و بهبود کیفی فرهنگ‌سراها، کتابخانه‌های عمومی، فضاهای آموزشی، تفریحی، گردشگری و غیره خلاصه می‌شود نمی‌توان انتظار توسعه یافتگی داشت. گرچه این مهم خود جزء کوچکی از راه‌کارهای اصلی توسعه فرهنگی است که در بعد اقتصادی اهمیت پیدا می‌کند، اما پرداختن به همین جزء کوچک و در عین حال اجتناب‌ناپذیر به نظر بسیار دشوار می‌رسد.

تنگناهای اساسی اقتصادی، از جمله سقوط نسبتاً طولانی مدت درآمدها و کاهش بودجه ارزی<sup>۳</sup>، رکود گسترده اقتصادی چشم‌انداز روشنی را لاقلاً در کوتاه مدت به دست نمی‌دهد.

هرگاه نگاهی به ارقام بودجه بیان‌دازیم ملاحظه خواهیم کرد که بودجه وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در سال ۱۳۷۶ کمتر از یک درصد کل بودجه دولت بوده است و یا تنها حدود ۱/۳ درصد کل بودجه در فصل فرهنگ و هنر و امور اجتماعی به مصرف رسیده است. قطعاً با چنین حجم کمی از اعتبارات نمی‌توان انتظار معجزه فرهنگی داشت. به یاد داشته باشیم که تعداد قابل توجهی از کشورهای در حال توسعه که گوی توسعه را به سرعت ربوده‌اند (به ویژه در آسیای جنوب شرقی) سال‌های نسبتاً طولانی از دوران اقتصادی خود را صرف توسعه و تربیت نیروی انسانی کرده‌اند. گرچه این عمل، به لحاظ اقتصادی اقدامی نسبتاً دیربازده است، اما از ضروریات اجتناب‌ناپذیر توسعه می‌باشد. امروزه این واقعیتی اثبات شده است که بدون پرداختن به عامل انسانی دستیابی به توسعه غیر ممکن است. باید دانست که هدف توسعه انسان و وسیله توسعه نیز انسان است. پس باید برای رشد و ترقی انسان‌ها سرمایه‌گذاری کرد. سرمایه‌گذاری به منظور آموزش فرهنگی و اعتلاء ذوق و خلاقیت انسان‌ها سرمایه‌گذاری کرد. سرمایه‌گذاری به منظور آموزش فرهنگی و اعتلاء ذوق و خلاقیت انسان‌ها سرمایه‌گذاری در ساخت نیروگاه‌ها، راه‌ها، بندرگاه‌ها، واحدهای ذوب فلز و حتی خانه و کاشانه افراد کم‌اهمیت‌تر نیست. اکنون سال‌ها است که از دوران بحث تقدم و تأخر این دو پدیده نسبت به یکدیگر می‌گذرد و بر همگان اثر متقابل و هم‌سویی و هم‌گرایی این دو پدیده قویاً اثبات شده است.

این الزامات به ما یادآور می‌سازد که در تدوین بودجه و برنامه‌های بلند مدت کشور باید به‌طور اساسی بازاندیشی شود. ظاهراً به نظر می‌رسد که نظام بودجه‌ریزی کشور تابع درصدها و نسبت‌هایی است که به صورت ادواری در کشور تکرار شده است و به شکل نسبت درآمده است تا این که تابع الزامات یک برنامه مدون بلندمدت باب‌افق‌های مشخص باشد.

با یک محاسبه بسیار ساده می‌توان گفت که اگر افراد کشوری خواستند سرانه مصرف بودجه خود را در ارتباط با وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی نسبت به سال ۱۳۵۶ حفظ نمایند، بودجه وزارتخانه در سال ۱۳۷۵ می‌باید

حداقل ۲/۵ برابر افزایش پیدا می‌کرد. مقایسه همین دو سال نشان می‌دهد که بودجه سرانه دولت در فاصله همین دو مقطع به قیمت‌های ثابت نیز ۲/۵ بار کاهش یافته است. به عبارتی پایه‌های کاهش درآمدهای دولت، بودجه‌های تخصیص یافته به بخش فرهنگی نیز کاهش یافته است. همین وضعیت با اندکی تفاوت در بخش «امور اجتماعی» در فصل «فرهنگ و هنر و امور اجتماعی» نیز دیده می‌شود.

خلاصه کلام آن که هر گاه متولیان بخش عمومی اقتصاد کشور از همان رویه‌ای استفاده می‌کردند که خانوارها بهره می‌جویند، بودجه‌های عمومی در بخش فرهنگی قطعاً سهم بیشتری از کل بودجه را به خود اختصاص می‌دادند. همان‌گونه که دیدیم خانوارهای ایرانی، علی‌رغم کاهش درآمد واقعی‌شان، نه تنها سهم مخارج فرهنگی خود را کاهش نداده‌اند بلکه به‌طور قابل توجهی نیز بر آن افزوده‌اند.

جدول شماره ۹- هزینه‌های جاری، مخارج عمرانی و سرانه‌های بخش‌های

فرهنگ و هنر و امور اجتماعی سال‌های ۱۳۷۶ - ۱۳۵۶

سال	هزینه‌های جاری به قیمت ثابت ۱۳۶۹ (میلیارد ریال)	مخارج عمرانی به قیمت ثابت (میلیارد ریال)	سرانه هزینه‌های جاری ریال	سرانه مخارج عمرانی ریال
۱۳۵۶	۶۲/۵	۲۳/۴	۱۷۸۴/۵	۶۶۸/۱
۱۳۵۷	-	-	-	-
۱۳۵۸	۲۵/۶	۱۲/۸	۶۷۷	۳۳۸/۵
۱۳۵۹	۴۱/۴	۵/۱	۱۰۵۳/۹	۱۲۹/۸
۱۳۶۰	۳۳/۷	۴/۲	۸۲۵/۵	۱۰۲/۹
۱۳۶۱	۲۱/۷	۲/۷	۴۹۹/۹	۶۳/۶
۱۳۶۲	۳۰/۷	۳/۰۷	۶۹۶/۸	۶۹/۶
۱۳۶۳	۲۷/۸	۲/۷	۶۰۷/۳	۵۸/۹
۱۳۶۴	۳۱/۲۵	۲/۶	۶۵۷/۱	۵۴/۶
۱۳۶۵	۲۵/۲	۴/۲	۵۰۹/۶	۸۴/۹
۱۳۶۶	۲۱/۴	۱/۶	۴۲۲/۲	۳۱/۵
۱۳۶۷	۲۰/۴	۲/۵	۳۹۲/۶	۴۸/۱
۱۳۶۸	۱۶/۳	۳/۲	۳۰۶/۳	۶۰/۱
۱۳۶۹	۲۰	۷	۳۶۶/۶	۱۲۸/۶
۱۳۷۰	۲۴/۰۲	۹/۹	۴۳۰/۱	۱۷۷/۳
۱۳۷۱	۲۷/۳	۸/۶	۴۸۱/۶	۱۵۱/۷
۱۳۷۲	۷۹/۱	۲۹/۸	۱۳۷۵	۵۱۸
۱۳۷۳	۸۱/۸	۳۵/۲	۱۴۰۱	۶۰۲/۸
۱۳۷۴	۶۵/۳	۴۷/۱	۱۱۰۲	۷۹۴/۸
۱۳۷۵	۷۶	۵۵/۳	۱۲۶۵/۵	۹۲۰/۸
۱۳۷۶	۹۵/۵	۸۷/۴	-	-

جدول شماره ۱۰- هزینه‌های جاری و مخارج عمرانی و سرانه‌های بخش  
وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی سال‌های ۷۶ - ۱۳۵۶

سال	هزینه‌های جاری به‌قیمت ثابت ۱۳۶۹ (میلیارد ریال)	مخارج عمرانی به‌قیمت ثابت (میلیارد ریال)	سرانه هزینه‌های جاری ریال	سرانه مخارج عمرانی ریال
۱۳۵۶	۲۱/۱	۲۰/۳	۶۰۲	۵۸۰
۱۳۵۷	-	-	-	-
۱۳۵۸	۴/۵	۱۱/۵	۱۱۹	۳۰۴
۱۳۵۹	۴/۴	۵/۲	۱۱۲	۱۳۲
۱۳۶۰	۵/۹	-	۱۴۵	-
۱۳۶۱	۸/۵	-	۲۰۰	-
۱۳۶۲	۱۲/۳	۰/۱۲	۲۷۹	۳
۱۳۶۳	۱۱/۷	-	۲۵۶	-
۱۳۶۴	۱۱/۴	۰/۱۳	۲۳۹	۳
۱۳۶۵	۸/۸	۰/۰۸	۱۷۸	۲
۱۳۶۶	۵/۲	۰/۸۲	۱۰۳	۱۶
۱۳۶۷	۴	۱/۴۰	۷۷	۲۷
۱۳۶۸	۳/۴	۲/۱۷	۶۴	۳۹
۱۳۶۹	۴/۴	۴/۵	۸۱	۸۳
۱۳۷۰	۴/۷	۵/۴۶	۸۴	۹۷
۱۳۷۱	۴/۴	۲/۴۶	۷۸	۴۲
۱۳۷۲	۱۶/۴	۶/۱۲	۲۸۵	۱۰۶
۱۳۷۳	۱۰/۷	۵/۴۱	۱۸۳	۹۲
۱۳۷۴	۸/۷	۶/۴۲	۱۴۷	۱۰۸
۱۳۷۵	۲۱/۶	۶/۹۷	۳۶۱	۱۱۵
۱۳۷۶	۱۵/۲	۸/۴۵	-	-



جدول شماره ۱۱ - هزینه‌های جاری و مخارج عمرانی و سرانه‌های دولت  
(بودجه دولت سال‌های ۷۶ - ۱۳۵۶)

سال	هزینه‌های جاری به قیمت ثابت ۱۳۶۹ (میلیارد ریال)	مخارج عمرانی به قیمت ثابت (میلیارد ریال)	سرانه هزینه‌های جاری ریال	سرانه مخارج عمرانی ریال
۱۳۵۶	۱۰۳۴۲/۱	۷۷۹۱/۴	۲۹۵	۲۲۲
۱۳۵۷	۱۲۶۰۷/۹	۸۸۷۸/۴	۳۴۶	۲۴۴
۱۳۵۸	۵۶۴۱/۰۲	۱۱۸۸۶/۵	۱۴۹	۳۱۴
۱۳۵۹	۹۶۱۶/۰۶	۵۵۵۴/۴	۲۴۵	۱۴۱
۱۳۶۰	۱۰۲۲۹/۹	۴۰۳۰/۸	۲۵۱	۹۸
۱۳۶۱	۸۷۳۸/۸	۳۵۸۸/۳	۲۰۶	۸۴
۱۳۶۲	۷۶۷۷/۸	۴۰۳۰/۱	۱۷۴	۹۱
۱۳۶۳	۷۴۷۶/۸	۳۳۰۴/۷	۱۶۳	۷۲
۱۳۶۴	۷۱۳۳/۰۷	۲۹۵۷/۸	۱۵۰	۶۲
۱۳۶۵	۵۵۸۹/۴	۲۵۹۵/۷	۱۱۳	۵۲
۱۳۶۶	۴۹۰۱	۱۱۵۶/۷	۹۷	۲۳
۱۳۶۷	۴۰۹۲/۰۷	۱۰۵۶/۲	۷۹	۲۰
۱۳۶۸	۳۶۹۳/۹	۱۰۰۰	۶۹	۱۹
۱۳۶۹	۴۳۳۳	۱۷۸۰	۷۹	۳۳
۱۳۷۰	۴۹۱۰/۵	۲۲۶۶/۷	۸۸	۴۱
۱۳۷۱	۵۰۱۲	۵۶۳۹/۵	۸۸	۹۹
۱۳۷۲	۷۵۹۸/۷	۵۲۵۱/۱	۱۳۲	۹۱
۱۳۷۳	۷۵۵۳/۱	۴۴۹۹/۸	۱۲۹	۷۷
۱۳۷۴	۷۴۳۴/۹	۳۹۶۲/۵	۱۲۵	۶۷
۱۳۷۵	۷۲۵۷/۲	۴۹۲۰/۲	۱۲۱	۸۲
۱۳۷۶	۸۴۹۳/۶	۵۶۴۰/۰۹	-	-

### ۳ - شناسایی جایگاه کالای فرهنگی از دیدگاه خانوار

پرسش اصلی در این بخش این است که اساساً نگاه خانوار ایرانی به کالاها و خدمات فرهنگی چگونه است؟ آیا کالای مورد نظر کالایی لوکس است؟ کالایی ضروری است و یا اینکه کالایی پست شمرده می‌شود؟ پاسخ به این پرسش‌ها از طریق برآورد مدل‌های خرد اقتصادی ممکن می‌شود. اساساً هر فرد بخش معینی از درآمد خود را به مصرف یک کالا می‌رساند. این میزان در اثر تغییرات قیمت و درآمد، متغیر است. هرگاه نسبت تغییرات مصرف یک کالا به تغییرات درآمد مصرف‌کننده بزرگتر از یک باشد، کالای مورد نظر لوکس محسوب می‌شود. اگر این نسبت کوچک‌تر از یک و بزرگ‌تر از صفر باشد، کالای مورد نظر ضروری به حساب می‌آید و اگر نسبت مذکور از صفر کوچک‌تر باشد، کالا به طور کلی پست شمرده می‌شود.

بر اساس داده‌های سری زمانی دوره ۱۳۶۰ تا ۱۳۷۵، که میزان مخارج مصرفی خانوار ایرانی را از بابت مصرف کالاها و خدمات فرهنگی و درآمد خانوار را اندازه‌گیری می‌کند و با استفاده از مدل‌های رگرسیونی، تابعی را میان مصرف و درآمد خانوار برآورد می‌کنیم.

به منظور از بین بردن آثار قیمتی، ابتدا قیمت کالاها و خدمات مصرفی را با توجه به شاخص قیمت‌ها به ارقام ثابت تبدیل می‌کنیم. همین رویه را نیز با بهره‌گیری از شاخص عمومی قیمت‌ها در مورد درآمد خانوار در پیش می‌گیریم. بنابراین کلیه ارقام به قیمت ثابت تبدیل می‌شود.

ثابت می‌شود که در طول یک دوره چند ساله زندگی اقتصادی، خانوار ایرانی کالای فرهنگی را یک کالای لوکس می‌پندارد. یعنی یک افزایش کوچک درآمد سبب می‌شود تا خانوار ایرانی به میزان بسیار بیشتری مخارج فرهنگی خود را افزایش دهد. پس هرگاه در افق برنامه‌ریزی ملی با پیش‌بینی درآمدها مواجه باشیم در آن صورت قطعاً سهم مخارج فرهنگی در برنامه‌ریزی‌ها باید جایگاه مهم‌تری داشته باشد.

به منظور دقت بیشتر در موضوع سعی می‌کنیم تا کَشش مورد نظر را بین گروه‌های درآمدی متفاوت در مقطع ۷۵ - ۱۳۷۴ اندازه‌گیری کنیم. ابتدا در جدول شماره ۱۲ متوسط درآمد سالانه یک خانوار شهری را در دهک‌های مختلف درآمدی نشان داده‌ایم. همان‌گونه که ملاحظه می‌شود در دهک اول درآمدی (کم درآمدترین لایه جامعه) یک خانوار به طور متوسط در سال ۱۳۷۴ حدود ۱/۳ میلیون کسب درآمد داشته است. در حالی که پر درآمدترین خانوارها حدود ۲۱/۴ میلیون کسب درآمد کرده‌اند. همین درآمدها در سال ۱۳۷۵ به ترتیب به حدود ۱/۳ و ۳۰/۹ تغییر یافته‌اند.

جدول شماره ۱۳ متوسط نرخ رشد درآمد را در دهک‌های مختلف در مقطع ۷۵ - ۱۳۷۴ نشان می‌دهد. جالب توجه آنکه نرخ رشد در لایه‌های بالایی درآمدی، بالاتر است. به هر حال همان‌طور که ارقام نشان می‌دهند، متوسط درآمد کل تنها ۳۴ درصد رشد داشته است در حالی که در دهک دهم ۴۴/۷ درصد رشد کرده است.

به همین منوال دو جدول شماره ۱۴ و ۱۵ و به ترتیب هزینه سالانه تفریحات، سرگرمی‌ها و خدمات فرهنگی یک خانوار شهری و رشد آنها را نشان می‌دهند. کَشش درآمدی تقاضای مصرف‌کننده خدمات فرهنگی را در لایه‌های درآمدی مختلف به دست آورده‌ایم.

جدول شماره ۱۲ - متوسط درآمد سالانه یک خانوار شهری

دکم دهم	دکم نهم	دکم هشتم	دکم هفتم	دکم ششم	دکم پنجم	دکم چهارم	دکم سوم	دکم دوم	دکم اول	متوسط کل	سال
۱۱۳۸۶۰۱۸	۱۰۷۲۲۸۳۱	۸۲۸۵۶۰۳	۷۰۸۰۱۶۰	۵۹۹۷۳۴۶	۵۱۲۳۵۰۷	۳۳۳۵۱۲۵	۲۵۲۹۳۲۲	۱۶۸۰۵۵۵	۱۲۸۲۳۲۸	۷۲۶۸۱۲۳	۱۳۷۲
۳۰۹۴۸۴۶۷	۱۵۰۶۴۵۳۸	۱۱۸۰۳۱۷۳	۹۷۸۱۳۹۱	۸۳۲۰۱۵۶	۷۰۹۲۷۹۹	۵۹۹۲۸۳۳	۴۹۰۳۷۰۶	۳۷۱۵۷۹۸	۹۱۲۹۷۶۹۲	۹۸۷۹۳۵۸	۱۳۷۵

این رقم نادرست به نظر می‌رسد بنابراین محاسبه برای این دکم انجام نشد.

جدول شماره ۱۳ - متوسط نرخ رشد سالانه درآمد یک خانوار شهری

دکم دهم	دکم نهم	دکم هشتم	دکم هفتم	دکم ششم	دکم پنجم	دکم چهارم	دکم سوم	دکم دوم	دکم اول	متوسط کل	سال
۴۴/۷	۴۰/۲	۳۹/۱	۳۸/۲	۳۸/۷	۳۸/۵	۳۸/۳	۳۸/۲	۳۸/۶	۰	۳۲/۸	۱۳۷۲ - ۷۵

جدول شماره ۱۴ - متوسط هزینه سالانه تفریحات، سرگرمی‌ها و خدمات فرهنگی خانوار شهری

دکم دهم	دکم نهم	دکم هشتم	دکم هفتم	دکم ششم	دکم پنجم	دکم چهارم	دکم سوم	دکم دوم	دکم اول	متوسط کل	سال
۱۰۴۰۷۲۲	۵۰۵۹۰۰	۳۷۵۵۵۷	۲۷۰۶۷۱	۲۲۶۱۵۰	۱۷۰۹۲۰	۱۲۷۲۵۲	۹۳۳۳۱	۵۸۱۸۲	۲۲۴۹۹	۳۰۰۰۵۹	۱۳۷۲
۱۳۱۸۶۰۹	۶۴۷۲۵۲	۲۷۳۱۷۶	۳۶۵۹۰۵	۲۹۰۹۱۵	۲۲۴۳۰۸	۱۶۶۲۰۰	۱۳۲۲۵۸	۸۵۰۳۳	۳۲۰۹۵	۳۷۳۳۵۹	۱۳۷۵

جدول شماره ۱۵ - متوسط نرخ رشد هزینه سالانه تفریحات، سرگرمی‌ها و خدمات فرهنگی خانوار شهری

دکم دهم	دکم نهم	دکم هشتم	دکم هفتم	دکم ششم	دکم پنجم	دکم چهارم	دکم سوم	دکم دوم	دکم اول	متوسط کل	سال
۲۶/۷	۲۷/۸	۲۶/۰	۳۵/۲	۲۸/۶	۳۱/۲	۳۰/۵	۴۱/۸	۲۶/۲	۳۹/۲	۲۲/۳	۱۳۷۲ - ۷۵

جدول شماره ۱۶ - کثش درآمدی تقاضای کالا و خدمات فرهنگی در دهک‌های درآمدی مختلف در مقاطع ۷۵ - ۱۳۷۴

متوسط	دهک	دهک	دهک	دهک	دهک	دهک	دهک	دهک	دهک	دهک	
کل	اول	دوم	سوم	چهارم	پنجم	ششم	هفتم	هشتم	نهم	دهم	
کثش	۰/۷۲	۰	۱/۲	۱/۱	۰/۸۰	۰/۸۱	۰/۷۴	۰/۹۲	۰/۶۶	۰/۶۹	۰/۶۰

جدول فوق کثش مورد بحث را در دهک‌های مورد نظر نشان می‌دهد. ملاحظه می‌شود که کثش مورد نظر از کم درآمدها به طرف پر درآمدها به ترتیب روندی نزولی دارد. به دیگر سخن کالای فرهنگی برای کم درآمدها از نوع تجملی (نوسان‌پذیر در برابر درآمد) و برای پر درآمدها کالای ضروری (کم‌نوسان در برابر درآمد) است.<sup>۳</sup> و این روند نیز محصول جاگیری اقتصاد پولی در مسایل فرهنگی است. به هر حال مصرف مورد نظر هرچه باشد، آثار درآمدی آن مثبت است. به عبارت دیگر تغییرات مثبت درآمدی، سبب تغییرات مثبت مصرف می‌شود و نکته قابل بحث آنکه افزایش درآمد معادل ۱۰۰ درصد در اقشار پایین تقاضاهای بیشتری را در بر می‌گیرد تا اقشار بالایی این که در موقع کاهش درآمد چه پیش می‌آید در انتهای بحث توضیح خواهم داد.

تحلیل حاضر بر اساس یافته‌های دو سال ۱۳۷۴ و ۱۳۷۵ صورت گرفته است، اما تحلیل قبل که بر اساس مدل رگرسیونی و برای متوسط جامعه در طول یک دوره بلند مدت صورت گرفته، کثش درآمدی تقاضا را بزرگ‌تر از یک نشان می‌دهد. این پدیده به هیچ وجه منافاتی با ارزیابی اخیر ما ندارد. به عبارتی مردم عادت کرده‌اند که در طول زمان، سهم درآمدی بیشتری را به مصرف کالاها و خدمات فرهنگی برسانند گرچه ممکن است در مقاطع کوتاه مدت چنین نباشد و نرخ تغییر در مصرف از نرخ تغییر در درآمد کوچک‌تر باشد. به هر حال یافته‌ها، در این بخش اخیر به شرح زیر است:

الف: کالاها و خدمات فرهنگی برای گروه‌های درآمدی پایین تا دهک سوم کالایی لوکس و برای دهک‌های بالاتر کالایی ضروری به نظر می‌رسد. در واقع در میان لایه‌های کم درآمد، خدمات فرهنگی جایگاه بسیار ویژه‌ای دارد در حالی که در میان اقشار پر درآمد پرداختن به مسایل مسافرت و تفریح و سرگرمی بخشی از ضروریات زندگی است.

ب: در مقطع سال‌های ۷۴ و ۱۳۷۵ از آنجایی که نرخ رشد درآمدهای جاری از نرخ رشد تورم بیشتر است، بنابراین این شاهد رشد درآمد واقعی هستیم. این امر سبب شده است تا خانوارها در کلیه دهک‌های درآمدی مخارج فرهنگی خود را افزایش دهند. البته این افزایش در میان دهک‌های کم درآمدتر کاملاً بیشتر است. به دیگر سخن نرخ افزایش هزینه از کم درآمدها به سمت پر درآمدها روندی کاملاً نزولی دارد.

پ: به طور کلی کثش درآمدی تقاضای کالاها و خدمات فرهنگی در مقطع ۷۵ - ۱۳۷۴ مثبت و کوچک‌تر از یک است (معادل ۰/۷۲) است.

ت: کثش‌پذیری هزینه‌های فرهنگی نسبت به هزینه کل خانوار برای سال‌های ۷۵ - ۱۳۷۴ معادل ۱/۱ محاسبه شده است. این عدد از کثش درآمدی تقاضا ۰/۷۲ بزرگ‌تر است. به بیان دیگر نرخ رشد هزینه‌های فرهنگی از نرخ رشد هزینه کل بزرگ‌تر است یعنی هرگاه هزینه کل خانوار ۱۰۰ درصد رشد کرده باشد هزینه‌های فرهنگی خانوار

۱۱۰ درصد رشد کرده است. و این امر علی‌رغم رشد محدود درآمدها در فاصله مورد نظر نشان‌دهنده جایگاه خاص خدمات فرهنگی در میان خانوار ایرانی است.

ث: اگر چشم‌انداز آینده اقتصادی را رشد درآمدها بدانیم در این صورت:

● بر اثر رشد درآمد، دهک‌های کم درآمدتر، (اول تا سوم) مخارج فرهنگی خود را با نرخ بیشتری نسبت به درآمد، افزایش می‌دهند.

● بر اثر رشد درآمد، دهک‌های میانی (چهارم، پنجم و ششم) با نرخ کمتری نسبت به رشد درآمد، مخارج فرهنگی را افزایش می‌دهند، به عنوان مثال اگر کتشن درآمدی تقاضا بر اساس یافته‌های جدول شماره (۱۶) برای سال‌های برنامه سوم را معادل  $0/78$  در نظر بگیریم و فرض کنیم برنامه نرخ رشد  $35$  درصدی را برای درآمد خانوار در نظر گرفته باشد در این صورت مخارج فرهنگی در سبد هزینه‌های خانوار در میان گروه یاد شده معادل  $0/27$  رشد خواهد کرد.  $0/78 \times 0/35 = 0/27$

● بر اثر رشد درآمد دهک هفتم که شامل با سوادترین افراد جامعه است و طیفی از تکنوکرات‌ها، مهندسين و پزشکان را در خود جای داده است، رفتاری مشابه به دهک دوم را از خود نشان می‌دهند و مخارج فرهنگی را قویاً افزایش می‌دهند.

● بر اثر رشد درآمد، دهک‌های بالای درآمدی (هشتم تا دهم) سهم کمتری از درآمد را (نسبت به گروه‌های قبلی) صرف مخارج فرهنگی خواهند کرد.

با یک نرخ رشد  $35$  درصدی درآمد (با رعایت فروض بند ۲)، این گروه حداکثر مخارج فرهنگی خود را ممکن است تا  $22$  درصد افزایش دهند.

ج: اگر چشم‌انداز کاهش درآمد باشد اقشار کم درآمد به خاطر ضرورت‌های مصرفی به شدت از هزینه‌های فرهنگی و هنری خود می‌کاهند. این برای لایه‌های اجتماعی تحصیل کرده و جوانان و کارمندان و کارگران علاقه‌مند به فعالیت‌های هنری بسیار آسیب‌رسان خواهد شد. معلوم نیست اقشار بالایی برخلاف رفتار مصرفی، مصرف هزینه‌های هنری خود را نگاهند نظر من در این بررسی این است که از حیث فعالیت‌های هنری اقشار دارا وابستگی زیادی به این کالاها - در نقطه مقابل مسافرت به خارج و داخل صرفاً برای تفریح - ندارند.

در مورد تحصیل، آموزش و مطالعه که دربردارنده زیربخش فرهنگ و هنر است درمی‌یابیم که افزایش درآمد موجب افزایش تقریباً همسان در مصرف این کالاها می‌شود. صد درصد افزایش درآمد در شهر و روستا تقریباً صد درصد افزایش مصرف را موجب می‌شود. در شهر افزایش بعد خانوار به نسبت یکسانی موجب مصرف کالا است. در روستا به میزان دو برابر کاهش را موجب می‌شود (چرا؟ به دلیل ضرورت مهاجرت از خانوار به سمت شهر، فشار کار و فشار هزینه زندگی که موجب می‌شود خانوارهای پُر جمعیت محروم بمانند).

نکته قابل بحث آخر این که می‌باید خود را حداقل برای افزایش تقاضاها به همان نسبت افزایش درآمد آماده کنیم. اما اگر به بالا بردن ضریب کشش‌پذیری مصرف فرهنگی و هنری اعتقاد داریم باید از طریق جایگزینی مصارف تجملی، سیگار و مانند آنها و نیز از طریق تبلیغ، تنوع، تسهیلات اقتصادی و توسعه همگانی - فرهنگی به این امکان برسیم که افزایش واقعی درآمد موجب افزایش شدید تقاضاها در همه لایه‌های اجتماعی شود. همچنین باید این وضعیت یک سویه باشد، یعنی مصرف فرهنگی و هنری به چنان چسبندگی دست یابد که کاهش درآمد موجب کاهش مصرف نشود (نوعی رفتار مصرفی موسوم به دوزنیری).



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی

پی نوشت:

- ۱- بررسی اقتصاد فرهنگ و هنر در سال ۱۳۷۷ در دفتر پژوهش‌های فرهنگی با همکاری فریدون روشن‌روان انجام شده است که خلاصه بخشی از آن تقدیم می‌شود.
- ۲- منظور از هزینه‌های فرهنگی و هنری در این مقاله عبارت است از جمع هزینه‌هایی که خانوار صرف تفریحات، سرگرمی‌ها، مسافرت، مطالعه، تحصیل و آموزش می‌کند. هزینه‌های سینما، تئاتر، خرید نوار، کنسرت و... در میان تفریحات و سرگرمی‌ها (پوزش از هنرمندان گرانقدر، این تقسیم‌بندی ابداع من نیست).
- ۳- اگر بهبود در درآمدهای نفتی به مدت طولانی ادامه یابد، مسأله نحوه تخصیص منابع ارزی به نفتی فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی و توسعه انسانی پیش می‌آید.
- ۴- این واژگان از حیث اقتصادی ستبرند و نه از حیث وابستگی، علائق و کیفیت مصرف کالاهای هنری در واقع پای تفریح و سرگرمی به ویژه مسافرت به میان می‌آید.